

بانک مرکزی مستقل و پاسخگو

علی جهانی، مدیر روابط عمومی بانک پارسیان

الکترونیک، مجموعه وظایف و اهدافی هستند که بانک مرکزی در تعریفی جامع و فراگیر متولی انجام آن‌ها است. از سوی دیگر و از آن جایی که استقلال بانک مرکزی در تعامل با دولت، یا در مفهومی فراگیرتر با حاکمیت، معنا می‌یابد، بهتر است نگاهی نیز به هدف دولت یا در نظری جامع‌تر، به حاکمیت در فعالیت‌ها و کنش و واکنش‌های اقتصادی کشور بیندازیم. یکی از بهترین تعاریف برای این هدف، تعریفی است که می‌گوید: هدف اساسی حاکمیت، حداکثرسازی درآمد و ثروت پایدار و توزیع مناسب رفاه عمومی و دستیابی به رشد اقتصادی با دوام با رویکرد ثبات قیمت‌هاست. البته پیداست که این هدف در جامعه‌ای که اوامر و نواهی شارع مقدس منشأ و مبدأ قوانین اجرایی آن می‌باشد، ضرورتاً می‌بایست بر منبج عدالت و سازوکارهایی استوار باشد که هم مشروعیت ثروت‌آفرینی و هم توزیع اصولی و عادلانه آن را تضمین نماید.

طرح بحث استقلال و در عین حال، پاسخگویی بانک مرکزی در چنین فضای فعالیتی، دقیقاً ناظر بر عنایت به این ویژگی‌ها و مختصات فعالیت در چنین بستری است که موضوعیت می‌یابد.

اما سؤال اساسی این است که استقلال بانک مرکزی در چه صورتی قابل تحقق و اثبات است؟ بانک مرکزی هنگامی مستقل خواهد بود که وظایف تخصصی خود را به دور از هر گونه فشار سیاسی و یا روابط ویژه دولت، براساس ضوابط و قوانین اقتصادی و صرفاً مبتنی بر دیدگاه‌های کارشناسی - و نه دستوری - انجام دهد.

یکی از وظایف اصلی بانک مرکزی، توجه جدی به پایه پولی کشور، کنترل رشد عرضه پول و از این طریق، کنترل تورم و حفظ ثبات قیمت‌هاست. بر این اساس، بانک مرکزی نمی‌تواند بدون محدودیت و بی حساب تأمین‌کننده منابع مالی و استقرار دولت‌ها باشد، زیرا با این شیوه، عملکرد این بانک با وظایف و اهدافی که برای آن ترسیم و تعیین شده، در تعارض خواهد بود، زیرا وقتی که دولت به دلایل مختلف همچون مدیریت اقتصادی نامناسب، دچار بحران‌های مکرر و کسر بودجه‌های فزاینده شود، نیاز به پول پیدا کرده و سعی می‌کند که بانک مرکزی را تحت فشار قرار دهد تا بانک مرکزی به انتشار اسکناس بیش از حد مجاز دست بزند که این خود خلق پول است. اگر چه به این ترتیب، دولت‌ها موقتاً



جایگاه و کارکرد بانک‌های مرکزی در عرصه اقتصاد جوامع و در بسترسازی برای شکوفایی و توسعه اقتصادی کشورها، امروزه بیش از هر زمان دیگر، حداقل برای دست‌اندرکاران و خبرگانی که در مقام تقنین یا اجرا و آموزش مباحث مرتبط نقش‌آفرینند، روشن و قابل توجه است. تمامی صاحب‌نظران حوزه پولی و بانکی، با وجود تکثر و گوناگونی عقاید و تفکرات اقتصادی خود، بر این نکته اتفاق نظر دارند که بانک‌های مرکزی، نقش مهم و تأثیرگذاری را در ثبات بلندمدت نظام پولی و ایجاد زمینه‌های رشد و شکوفایی اقتصادی جوامع بازی می‌کنند.

پرداختن به مبحث "استقلال" و در کنار آن "پاسخگویی" بانک مرکزی و شرح و بسط ضرورت‌های آن در مجال مختصر پیش‌رو، ایجاب می‌کند که در ابتدا شرح و تبیین وظایف و اهدافی را که اکثریت قریب به اتفاق آشنایان علم اقتصاد برای بانک مرکزی قایلند، مرور و بازخوانی نماییم.

تحکیم و ارتقای ثبات پولی، تحکیم و ارتقای تعادل خارجی، آخرین اعتبار دهنده بودن، نشر اسکناس و مدیریت ذخایر خارجی، بانکدار دولت و بانک بانک‌ها بودن، تنظیم قوانین بانکی منطبق بر استانداردهای بین‌المللی و نظارت بر مؤسسات مالی داخلی، اجرای سیاست‌های پولی و اعتباری، حفاظت و صیانت از سلامت سیستم مالی و اهداف خرد اقتصادی، طراحی سیستم پرداخت‌های کارآ به منظور کاهش ریسک سیستماتیک و دست‌آخر، ترویج و توسعه بانکداری

**بانک مرکزی هنگامی
مستقل خواهد بود
که وظایف تخصصی
خود را به دور از هر
گونه فشار سیاسی
و یا روابط ویژه
دولت، براساس
ضوابط و قوانین
اقتصادی و صرفاً
مبتنی بر دیدگاه‌های
کارشناسی - و نه
دستوری - انجام دهد.**

مشکل خود را در کوتاه مدت و به صورت ظاهری رفع می کنند، اما مطمئناً این روند در بلند مدت با منافع بلند مدت اقتصادی در تعارض خواهد بود و آثار منفی آن در دوره های بعدی خودنمایی خواهد کرد.

پس ارتقای کارایی و عملکرد مثبت بانک مرکزی، مستلزم تفویض اختیارات قانونی به آن است و پذیرفتن نظرات کارشناسان آن، اختیاراتی که با توجه به اهداف، وظایف و مسؤولیت های بانک مرکزی از سوی قانونگذار تعیین شده است و با میزان پاسخگویی، نظارت و تضمین های قانونی مرتبط با آن نیز تناسب دارد.

در نظر داشته باشیم که دستیابی به رشد اقتصادی با دوام، مستلزم ثبات قیمت هاست. با توجه به اینکه تورم پدیده ای پولی



است، پس سیاست های پولی منسجم و کارآمد بانک مرکزی، تورم را به بهترین شیوه کاهش خواهد داد و این امر تنها با استقلال بانک مرکزی و دادن اختیارات قانونی به آن تأمین می شود.

بانک مرکزی مستقل، اهدافی اولویت بندی شده و واضح و تعریف شده از سوی قانون داشته و صلاحیت و توان کافی برای دستیابی به این اهداف را هم در اختیار دارد، به شرطی که هیچگاه نگذاریم این جایگاه تضعیف شود.

یکی دیگر از نقش آفرینی های اساسی بانک مرکزی مستقل، ایستادگی در برابر درخواست دولت ها برای تأمین کسر بودجه سالانه است. افزایش هزینه ها و توسعه ساختارهای دیوان سالاری، معمولاً میل عمومی و ذاتی دولت هاست و پایانی ندارد و در صورت عدم کنترل آن، عوارض و نابسامانی های اقتصادی زیادی را به بار خواهد آورد.

اما در کنار منافع و تبعات مثبتی که استقلال بانک های مرکزی به ارمان خواهد آورد، یک نکته را نیز نباید از نظر دور داشت و آن هم این است که جایگاه مطلوب بانک مرکزی مستقل در صورتی پذیرفتنی است که در عین استقلال، در مواردی هم با دولت همراه و هماهنگ باشد و بدون لطمه به اهداف اصلی و سیستم مالی، از سیاست های اقتصادی کلان دولت پشتیبانی کند. برای تحقق این منظور، باید در چارچوب های قانونی، سازوکارهایی تدوین شود که بر مبنای آن، تضادهای بالقوه بانک با دولت مرتفع شود و حتی در صورتی که بانک مرکزی عملکردی شفاف داشته باشد، امکان رد نمودن نظر بانک مرکزی از سوی دولت و یا نزدیک کردن دو نظر به

یکدیگر با کمک شورای پول و اعتبار محفوظ باشد. زمانی که دولت استقلال بانک مرکزی را به رسمیت می شناسد، بانک مرکزی را ملزم می سازد که برای هرگونه استفاده ناکارآمد از منابع، در برابر قانون پاسخگو باشد. این فضا بانک مرکزی را نیز ملزم می کند تا به شکلی اثربخش برای دستیابی به اهداف اصلی تعریف شده اش همانند ثبات قیمت ها تلاش کند و منابع خود را برای اهداف کلان توسعه و رشد اقتصادی کشور و تحقق برنامه دولت ها، بنا به شرایط خاص، به بهترین وجهی مدیریت کند.

صندوق بین المللی پول همواره از استقلال و راهبری بانک های مرکزی به منظور دستیابی سریع تر به ثبات قیمت ها و رشد با دوام اقتصادی حمایت می کند، اما در کنار آن، پاسخگویی را نیز از ضرورت های بانک مرکزی مستقل می داند. به بیانی دیگر، اهمیت پاسخگو بودن بانک مرکزی در برابر مراجع قانونی و هم چنین در برابر افکار عمومی، در موازات استقلال آن تأثیرگذار خواهد بود. بانک مرکزی مستقل، می بایست اطلاعات صحیح، بهنگام، شفاف و کارشناسی را در اختیار عموم مردم، به ویژه اندیشمندان اقتصادی، قرار دهد و برای جلوگیری از سوء استفاده احتمالی از جایگاه مستقل بانک مرکزی، لازم است چگونگی بررسی عملکرد این بانک و حتی تحقیق و تفحص از آن نیز در قانون پیش بینی شود.

یک بانک مرکزی مستقل، در نهایت مسؤول پاسخگویی به عموم است، هر چند که به طور مستقیم باید به حوزه های اجرایی و تقنینی جوابگو باشد. ضروری است که بانک مرکزی طبق قانون در دوره های زمانی مشخص - به عنوان مثال، سالی یک بار یا بیشتر - گزارش عملکرد خود در زمینه های مختلف فعالیت را به طور شفاف و بهنگام منتشر سازد و طی نشست های ادواری با صاحبان اندیشه، روشنگری نماید و از این طریق، فشارها و دخالت های احتمالی داخلی یا خارج از حیطه تحت کنترل بانک مرکزی را که می توانند نتایج سیاست های اجرایی آن را تحت تأثیر قرار دهند، به اطلاع عموم برساند و با این کار هزینه مداخله گری های غیر کارشناسانه در این سیاست ها را بالا ببرد. بدون تردید، در برهه و عصری که اطلاعات بیش از هر زمان دیگری در گردش و تبادل است، اطلاع رسانی بیشتر و بهتر به مخاطبان در خصوص عملکرد سازمان مهمی چون بانک مرکزی، می تواند پشتوانه مستحکمی از افکار عمومی، مخاطبان و دانا یان عرصه پولی و بانکی و اصحاب تخصصی رسانه را برای پیشبرد هر چه بهتر برنامه های سازنده و تضمین کننده شکوفایی اقتصاد کشور ایجاد کند.

بررسی ها و مطالعات هر چند اجمالی نشان می دهند که "پاسخگویی همراه با استقلال بانک مرکزی" در ثبات قیمت ها، کاهش تورم و رشد اقتصادی با دوام در کشورهای در حال توسعه، محسوس و قابل درک است و مختصات و شرایط جدید حاکم بر عرصه کنونی اقتصاد جهانی، با تمام ویژگی ها و فراز و فرودهایی که با آنها روبه روست، ضرورت حرکت کارشناسانه به سمت داشتن بانک مرکزی مستقل و مقتدری را که در آن ویژگی ها و شاخصه های بومی لحاظ شده باشد، یادآور می شود.

یکی دیگر از نقش آفرینی های اساسی بانک مرکزی مستقل، ایستادگی در برابر درخواست دولت ها، برای تأمین کسر بودجه سالانه است.